

# نه به رقابت!

## اشتباهات انگیزشی در تربیت



ابراهیم اصلانی  
روان‌شناس تربیتی

انگیزش نیروی ایجادکننده، نگهدارنده و هدایت‌کننده رفتار است؛ هم هدف است و هم وسیله. در دوره‌ی ابتدایی، انگیزش قرار است نیروی پیش‌برنده‌ی کودکان و نوجوانان باشد و آنان را تا رسیدن به هدف، پویا و فعال نگه دارد. اگر انگیزش با اشتباه و ناشیگری همراه باشد، نتایج ناگواری خواهد داشت. همچنان که شناخت و درک انگیزش لازم است، آشنایی با اشتباهات انگیزشی ممکن و رایج هم اهمیت بسزایی دارد. در این سلسله مطالب، نویسنده کوشیده است با تمرکز روی اشتباهات انگیزشی، به مربیان و والدین کمک کند نخست دانش خود را نسبت به انگیزش بهبود و ارتقا بخشند و سپس با بهره‌گیری از کارکردهای درست انگیزش، به نتایج بهتری در تربیت برسند. اولین شماره را اختصاص می‌دهیم به تفاوت دو مفهوم «رقابت و مسابقه».

### ۱

#### انگیزش فقط رقابت نیست! تمرین اول

۱. به نظر شما رقابت و مسابقه دو مفهوم مترادف هستند یا متفاوت؟ ۲. اگر رقابت و مسابقه مترادف هستند، یک تعریف مشترک برای هر دو بنویسید. ۳. اگر رقابت و مسابقه متفاوت هستند، برای هر کدام تعریفی جداگانه بنویسید.

«رقابت» شایع‌ترین و رایج‌ترین ابزار انگیزش در مدرسه و خانه به شمار می‌رود. به‌طور معمول، همه شواهد و تجربه‌هایی را مثال می‌آورند تا ثابت کنند رقابت لازم و مفید است. **عده‌ای حتی باور دارند که بدون رقابت، انگیزشی وجود نخواهد داشت.** برای بحث درباره‌ی رقابت لازم است تکلیف یک ابهام روشن شود؛ ابهام در مورد مفهوم «رقابت» و قیاس آن با «مسابقه». خطای تربیتی بزرگ در مورد انگیزش از همین جا ناشی می‌شود که کاربرد رقابت را تجویز می‌کنیم، بدون آنکه تعریف مشخصی از آن داشته باشیم.

**مسابقه چیست:** کوششی برای رسیدن به هدفی است که موردنظر دیگری نیز هست، بدون آنکه محدودیتی در هدف باشد. یعنی جایزه و پاداش نفر اول با بقیه هیچ فرقی ندارد.

**رقابت چیست:** کوششی برای عقب‌انداختن دیگری از رسیدن به هدفی است که موردنظر هر دو طرف باشد.

### ۲

#### تمرین دوم

- مشخص کنید موارد زیر مصداقی از مسابقه است یا رقابت؟
- دو نفر در ساختن مدرسه‌ای بزرگ‌تر به کار هم نظر دارند؛
  - برگزاری لیگ فوتبال؛
  - تلاش دو یا چند نفر در امور خیرخواهانه برای پیشی گرفتن از هم؛
  - تلاش برای برنده‌شدن در کاری و برتری بر دیگران.

به این ترتیب، نکته‌ی مهم در بحث انگیزش، تفکیک بین دو مفهوم مسابقه و رقابت است. ما به‌قدری این دو مفهوم را مترادف به کار برده‌ایم که شاید جداکردن آن‌ها کار آسانی نباشد. اگر کسی مدرسه می‌سازد و دیگری مدرسه‌ای بزرگ‌تر، این نوعی «مسابقه» است، چرا که نه امتیازی از کسی کم می‌کند و نه رتبه و درجه‌ای تعیین می‌شود. اما در فوتبال، یک تیم باید رتبه‌ی اول را کسب کند و قهرمان شود. سپس بقیه‌ی تیم‌ها به ترتیب امتیاز در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. هر جا که قرار باشد یکی اول، دیگری دوم و بقیه رتبه‌های دیگر را داشته باشند، رقابتی در جریان است. مبنای رقابت «مقایسه» است. افراد با محک مقایسه رتبه‌بندی می‌شوند و امتیاز می‌گیرند.

رقابت در همه‌ی عرصه‌های زندگی وجود دارد؛ از اقتصاد و سیاست گرفته تا علم، فرهنگ، ورزش و حتی تربیت. در مبحث تربیت هم درباره‌ی رقابت، موافق و مخالف وجود دارد، اما بیشتر موافقان رقابت، ضوابطی را در نظر می‌گیرند تا رقابت در مسیر سالم بماند.

نکته‌ای که امروزه باید بیشتر به آن توجه شود، این است که رقابت، تنها ابزار انگیزشی نیست. تدابیر جایگزینی برای رقابت وجود دارند؛ تدابیری که محور آن‌ها به‌جای مقایسه و رودررویی فردی، تلاش فردی یا تلاش گروهی است.

در تدابیر جایگزین رقابت که نظریه‌های جدید یادگیری و انگیزش بر آن‌ها تأکید می‌کنند، چند توصیه می‌شود:

- افراد را با هم مقایسه نکنید؛
- انسان‌گرایانه بیندیشید، به همه توجه داشته باشید و انگیزه‌های درونی را تقویت کنید؛
- افراد را ترغیب کنید نتایج تلاش‌هایشان را با خودشان مقایسه کنند؛ مانند دوندگی که می‌کوشد رکورد شخصی خودش را ارتقا دهد؛
- از مطالب برانگیزاننده و جذاب استفاده کنید تا افراد با شوق دانستن و انگیزش برای یادگیری بیشتر، از یادگیری لذت ببرند؛
- زمینه‌های همکاری و مشارکت را در یادگیری و امور دیگر فراهم کنید تا افراد از پیشرفت جمعی و با هم موفق شدن لذت ببرند.



### از دیپای سند برنامه ی درسی ملی

در «سند برنامه ی درسی ملی» در توضیح «اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی»، در بند مربوط به اعتبار نقش مرجعیت معلم یا مربی آمده است که معلم: در هدایت تربیتی، برای تقدم تزکیه بر برنامه های درسی و تربیتی باید به نقش مرجعیت تعلیم، غنی سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال سازی دانش آموزان در فرایند یادگیری و تربیت پذیری و ترغیب آنان نسبت به یادگیری مستمر توجه کند. همچنین، زمینه ی ارتقای صلاحیت های اعتقادی، اخلاقی، حرفه ای و تخصصی معلم را فراهم سازد.

### ۴

#### تمرین چهارم

از دو رقیب درسی، ورزشی و کنکوری چه تجربه ها و خاطراتی دارید؟ از کجا شروع به رقابت کرده اند و به کجا رسیده اند؟ با توجه به تجربه های خودتان، آغاز و پایان رقابت تا چه اندازه کنترل پذیر است؟ اگر رقابتی را آغاز کرده اید، با چه ابزارها و حربه هایی آن را کنترل یا متوقف می کنید؟ به طور معمول، شروع رقابت کنترل شدنی است، اما ادامه و پایان آن چندان قابل کنترل نیست. می توان جرقه ی رقابت را زد و آتش آن را شعله ور کرد، اما در بیشتر موارد کم یا خاموش کردن این شعله، دیگر در اختیار ما نیست. مثلاً دو نفری که ابتدا فقط در درس رقیب همدیگر بوده اند، به تدریج به چشم و هم چشمی روی می آورند و سعی می کنند همدیگر را عقب بزنند. اگر اهل رقابت نیستید، از انگیزش برای تشویق به جلوزدن از دیگران و عقب انداختن آن ها استفاده نکنید یا حداقل افراط نوزید. خیلی وقت ها رودرویی ها و دشمنی های حاصل از رقابت، به جاهای باریکی کشیده می شوند. رقابت برانگیزاننده است، اما تبعات منفی آن می تواند بسیار بیشتر از تبعات مثبتش باشد. این کافی و منطقی نیست که به هر قیمتی ایجاد انگیزه کنیم، در حالی که به تبعات مثبت و منفی آن توجهی نکرده ایم و اصلاً پیش بینی درستی از نتایج نداریم.

### ۳

#### تمرین سوم

آثار منفی و مثبت رقابت را فهرست کنید؟ طرح این موضوع در جلسه ی شورای آموزگاران بسیار مفید خواهد بود. انگیزش برای جلو زدن از دیگران نیست! نگرش رقابتی، چشم و هم چشمی، رودرویی و تهییج برای جلوزدن از بقیه را تشویق می کند. در رقابت، اول شدن، برتری و قهرمانی مهم است و برای این منظور باید از همه جلو زد؛ گاهی حتی به هر قیمت. رقابت فضایی می طلبد که در آن هیجان افراد تحریک شود تا بقیه را رقیب ببینند و نتوانند جلوافتادن شخص دیگر را تحمل کنند. وقتی افراد را وارد میدان رقابت می کنیم، می پذیریم که آن ها باید مقابل هم قرار بگیرند تا برنده و بازنده شدن معنا پیدا کند. تعبیرهایی مانند «بازنده ی خوبی باشید»، «بعد از پایان رقابت همه ی رودرویی ها و دشمنی ها را کنار بگذارید»، «اول رفیق هستید و بعد رقیب» و «رقابت که تمام شد همه چیز به حالت عادی باز می گردد» فقط در حد حرف و شعار کاربرد دارند. چطور ممکن است دو نفر که تاکنون رودرویی هم بوده اند، ناگهان همه چیز را فراموش کنند و دوست شوند؟ کودک یا نوجوان چطور می تواند درک کند دو واژه ی رفیق و رقیب، متضاد و در عین حال مترادف هم هستند. پذیرش این موضوع به راحتی ممکن نخواهد بود.